

اخبار فرهنگی

در نشست خبری مطرح شد: نمایشگاه مجازی کتاب امسال، بین المللی نیست



مدیرعامل خانه کتاب وادبیات ایران وقائم‌مقام نمایشگاه‌ها تاکید بر این امر که نمایشگاه مجازی کتاب، بین‌المللی نیست، تاکید کرد: در این دوره دو هزار ۲۹۶ ناشر ثبت‌نام کردند و ۸۰ درصد کتاب‌ها بارگذاری شده‌است.ابراهیم حیدری‌دیزوز در نشست خبری هفتمین نمایشگاه‌مجازی کتاب ادامه داد: ایجاد نشاط اجتماعی، دسترس پذیر کردن کتاب برای مردم و این که نشان دهیم جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد، برخی از اهدافی است که در نمایشگاه مجازی کتاب دنبال می‌کنیم. قائم مقام نمایشگاه با اعلام این که این دوره جشنواره از ساعت ۱۰ روز شنبه ۲۶ اردیبهشت فعالیت خود را آغاز خواهد کرد، ادامه داد: ثبت‌نام ناشران از هفتم تا ۱۹ اردیبهشت انجام شد و دو هزار ۲۹۶ ناشر ثبت‌نام کردند و تا به امروز حدود ۸۰ درصد کتاب‌ها در سایت بارگذاری شده‌است. او افزود: در این دوره کتاب‌هایی که از سال ۱۴۰۰ منتشر شده‌است، در این نمایشگاه ارائه می‌شود. همچنین برای ارائه سریع کتاب‌هایی که اعلام‌وصول آن‌ها انجام می‌شود، تلاش شده به گفته حیدری بخش رسانه‌های دیجیتال برای نخستین بار در این دوره از جشنواره فعال خواهد بود. مدیرعامل خانه کتاب در باره اقدامات بین‌المللی نمایشگاه توضیح داد: ۱۹ ناشر و کارگزار ادبی در بخش بین‌الملل ثبت‌نام کردند.

□□□

ستاد حقوق بشر بیانیه داد؛

اعتراض ایران به لغو مجوز فعالیت مدارس ایرانی در امارات متحده عربی



ستاد حقوق بشر ایران با انتشار بیانیه‌ای به لغو مجوز فعالیت مدارس ایرانی در امارات متحده عربی اعتراض کرده‌است. در بخشی از این بیانیه آمده‌است که قدام‌الخیر دولت امارات متحده عربی «در سایه تنش‌های سیاسی و با انگیزه‌های خصمانه صورت پذیرفته، تنها یک اقدام اداری ساده نیست، بلکه مصداق بارز نقض سیستماتیک تعهدات بین‌المللی دولت امارات ذیل معاهدات حقوق بشری، مشخصاً کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.» بر اساس گزارش‌ها، با آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران و حملات تلافی‌جویانه ایران به امارات متحده عربی، تعدادی از ایرانیان مقیم این کشور با مشکلات اقامتی هم مواجه‌شده‌اند.

□□□

آغاز فصل تازه با «فراسوی مرزها...» ازکستر سمفونیک تهران روی صحنه می‌رود



از کستر سمفونیک تهران در نخستین اجرای رسمی خود در سال جدید، با عنوان «از فراسوی مرزها...» و رهبری مهمان امید محرابی، شامگاه ۱۳ اردیبهشت در تالار وحدت‌روی صحنه می‌رود.به گزارش روابط عمومی بنیاد رودکی، در این کنسرت، آثاری از آهنگسازان برجسته جهان و کشور از جمله لودویگ فان بتهوون، بیوتر ایلیچ چایکوفسکی، فکرت امیرف، حشمت سنجرى و قطعاتی از اپرای مشهور «کاولاری» روستیکالنا، اثر پیتر و ماسکانی پیش‌روی مخاطبان قرار می‌گیرد. آثاری که هر یک نماینده بخشی از میراث موسیقی کلاسیک جهان هستند و در کنار یکدیگر، فضایی متنوع و پرشکوه را برای مخاطبان رقم خواهند زد. عنوان «از فراسوی مرزها...» نیز بر همین نگاه بین‌المللی و گفت‌وگوی فرهنگی از مسیر موسیقی تاکید دارد.

□□□

پنج نمایش تازه در تئاتر شهر



پنج نمایش «ذرات آشوب»، «بری با احتمال ریزش باران»، «بیهوده»، «گارداری» و «ژدهاک»، با کارگردانی ابراهیم پشت کوهی، سیدعلی هاشمی، یاسین رضوانی، محمد نژاد و آرش اشاداد، به‌زودی در تالارهای مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهند رفت. به گزارش روابط عمومی تئاتر شهر، پنج اثر نمایشی جدید، آغازگر دور تازه اجراهای عمومی در تالارهای اصلی، چهارسو، قشقایی، سایه و کارگاه نمایشی این مجموعه خواهند بود. تاریخ آغاز، ساعت و دیگر جزئیات اجرای آثار نمایشی تازه تئاتر شهر، طی روزهای آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد.

□□□

صالحی: هدف گسترش عدالت فرهنگی است

رونمایی از ۱۰ خودروی کتابخانه عمومی سیار



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم رونمایی از ۱۰ خودروی کتابخانه عمومی سیار گفت: کتابخانه‌های سیار با هدف گسترش عدالت فرهنگی راه‌اندازی شدند. به گزارش ایرنا، سیدعباس صالحی در آیین بهره‌برداری از ۱۰ دستگاه خودروی کتابخانه عمومی سیار، که چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت، در پهنه رودکی مقابل تالار وحدت بر گزار شد، گفت: یکی از موضوعاتی که در آن با بخش مطلوب فاصله داریم، عدالت فرهنگی است، زیرا بخش‌هایی از جامعه هنوز به کتاب و سینما دسترسی ندارند. در این بخش سینمای سیار و کتابخانه راه حل ما بوده‌است. وی افزود: با این حال این راه حل موقت بوده‌است، اما روزهای مختلفی داریم و سازمان برنامه بودجه نیز به مدیریت آقای پورمحمدی برنامه‌های خاصی داشته‌ما در یک تا ۷ ماه آینده ۱۰ کتابخانه دیگر داریم و ۱۰ استان دیگر را هم داریم که به زودی دارای کتابخانه خواهند شد. به گفته صالحی، این ۱۰ دستگاه خودروی کتابخانه عمومی سیار، باهدف ترویج خواندن و ارائه خدمات کتابخانه‌ای به ۶۰ نقطه شهری و روستایی فاقد کتابخانه در استان‌های تهران، ایلام، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، البرز، زنجان، سمنان و کردستان، راه‌اندازی شده‌است.

نوع ایرانی

درباره نمایش «دیکته‌طور» علیرضا معروفی

شمایل لرزان پدرسالاری



محمدحسین خدایی

اجرای تازه علیرضا معروفی در سالن استاد سمندر میان مجموعه ایرانشهر به نهاد خانواده می‌پردازد و جایگاه پر قدرت پدری را نمایان می‌کند که در مواجهه با برآمدن نیروهای تازه که اینجا در شمایل زنی جوان نمود یافته، قدرتش رو به زوال گذاشته و بنابر خطایی که مرتکب شده به اجبار خود را از دست داده باز تولید می‌شود تا همچنان همییشه ترک کند. اما این خروج مازاد چندانی ندارد و به‌راهی اعضای خانواده منتهی نمی‌شود چرا که جایگاه اقتدار پدر به میانبیج پسر کوچک خانواده که عشق سردار از دست داده باز تولید می‌شود تا همچنان سایه سنگین پدر و مناسبات پدرسالاری ادامه یابد. از این منظر نمایش «دیکته‌طور» در دام گفتار مسلطی می‌افتد که در این سال‌ها به دفعات شاهد بودیم، این که پدرسالاری در خانواده ایرانی دیر پا و

پرده نقره‌ای



محمد تقی زاده

در آوریل سال ۲۰۲۶، فیلم سینمایی «مایکل» به کارگردانی آنتوان فوکو و با بازی جعفر جکسون، برادرزاده سلطان پاپ، بر پرده سینماهای جهان حاضر شد. این پروژه که سال‌ها انتظارش کشیده شده بود، از همان روزهای نخست اکران خود را در کانون دورویات کاملاً متضاد یافت: از یک سو منتقدان حرفه‌ای سینماکه آن را «تهی» و «سفیدمنمایی شده» و حتی «گورمانند» خواندند، و از سوی دیگر میلیون‌ها تماشاگر عادی که فیلم را باشک و لیخندو کف‌زدن‌های ممتد به پایان رساندند. آنچه «مایکل» را به پدیده‌ای بی‌نظیر در تاریخ بیوپیک‌های موسیقی تبدیل کرده، نه کیفیت فنی یا وفاداری تاریخی آن، که شکاف بی‌سابقه میان آر‌تی‌منتقدان و استقبال مردم است. این گزارش تلاش می‌کند ابعاد این پدیده، دلایل موفقیت تجاری خیره‌کننده فیلم، و جزایری خشم‌گسترده مطبوعات سینمایی را در قالبی تحلیلی واکاوی کند.

رکوردهایی که جایه‌جا شدند

بزرگ‌ترین برگ برنده «مایکل» در گیشه نهفته‌است. فیلم در نخستین هفته اکران خود در آمریکا شمالی موفق شد ۹۷ میلیون دلار فروش داخلی ثبت کند. این رقم در سطح جهانی به ۲۱۸ میلیون دلار رسیدور کوردبزرگ‌ترین افتتاحیه تاریخ یک‌یک فیلم بیوپیک موسیقی را با اختلافی چشمگیر جایه‌جا کرد. پیش‌ازین، «اپسودی بوهمین» درباره فردی مرکوری با ۵۱ میلیون دلار و «استریت‌اوت کامپتن» درباره گروه‌اندیلویا با ۶۰ میلیون دلار در صدر جدول قرار داشتند. «مایکل» نه‌تنها این رکوردها را شکست، بلکه فروش خود را تقریباً دو برابر رقیب‌ستنی خود یعنی «اپسودی بوهمین» به ثبت رساند. با بودجه‌ای که بنابر برخی گزارش‌ها بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود، این فیلم نه‌تنها به سوددهی نزدیک شده، بلکه ثابت کرده که ما در کنار تجاری جکسون «همچنان یکی از پولسازترین درای‌های فرهنگی جهان است. از نیویورک تا لندن، از توکیو تا سانئوپالو، صف‌های طولانی مقابل باجه‌های فروش بلیت، چیزی جز عشق عمومی برای دیدن داستان زندگی پادشاه پاپ را نشان نمی‌داد.

دوگانگی عجیب: نمره ۲.۸ بر برابر ۹.۷

شاید جذاب‌ترین بخش ماجرای «مایکل» را باید در آمار گاه‌های راتن تومیتوز جستجو کرد. در این سامانه معتبر جمع‌آوری نقد‌ها، فیلم تنها ۴۰ تا ۴۰ درصد رأی مثبت از منتقدان حرفه‌ای دریافت کرده‌است. بسیاری از نشریات معتبر سینمایی جهان فیلم را «سفیدمنمایی تاریخی» (historical whitewash)، «تهی بی‌روح» و «گورمانند» توصیف کرده‌اند. گاردین در نقد خود نوشت: «مایکل نه یک فیلم بیوگرافیک که مجموعه‌ای از موزیک ویدئوهای به هم چسبیده‌است و هیچ نشانه‌ای از روح در آن دیده نمی‌شود.» بی‌بی‌سی فیلم را «انتخابی آگاهانه برای نادیده گرفتن تاریک‌ترین فصل‌های زندگی مایکل» خواند و آن را نمونه‌ای از «سینمای فرصت‌طلب» از زبانی کرد. ایندپندنت حتی تندتر از این هارفت و «مایکل» را «غار تگرانه بی‌روح و کالایی که به جای سینما در قفسه‌های فروش قرار می‌گیرد» توصیف کرد. در نقطه مقابل، تماشاگران عادی که در نظرسنجی‌های پست-کریدیت شرکت کرده‌اند، امتیازی بالای ۹۶ درصد به فیلم داده‌اند. این اختلاف حدود ۵۸ درصدی، بی‌سابقه در تاریخ سینمای بیوپیک و حتی در میان فیلم‌های پر فروش سال‌های اخیر است. در عمل، «مایکل» تبدیل به فیلمی شده‌است که منتقدان حرفه‌ای از آن متنفرند و مردم عادی آن را دوست دارند- و هر دو

دامن می‌زند که شامل تصاحب قسمتی از خانه و کوچک شدن فضای قابل دسترس برای اعضای خانواده‌است. امری غیر قابل قبول برای پدر و پسر بزرگتر خانواده و همسرش. اما در این مسیر دشوار، ائتلاف‌های تازه‌ای میان شخصیت‌ها شکل می‌گیرد و منافع افراد باعث می‌شود قریبان گذشته بدل به همکاران جدید شوند. نزاعی که در این خانواده بر سر تصاحب طبقات خانه در جریان است رانمی‌شود تنها به انگیزه‌های فردی فروکاست، آن چه بدیهی می‌نماید مربوط است به وضعیت عمومی جامعه‌ای که بیش از پیش مکان‌های زیست‌خوش را به منطق بازار سپرده‌و آن را به سلاخی در دست مالکان تبدیل کرده تا مستاجران متمرد را تنبیه کنند. به عبارت دیگر، خانه در دانشان وضعیتی است که سرماداری وطنی خلق کرده و همچون فرانکشتاین آن را به جان فرودستان جامعه انداخته‌است.

علیرضا معروفی به گواه آثاری که کارگردانی کرده بار دیگر در تلاش است با فشرده‌گی زمان، چندپارگی روایت و به کار بستن ریتم تند حوادث، فرمی از اجرای تئاتر را تحقق بخشد که تلفیقی است از امور انضمامی زندگی روزمره با اقتزاع صحنه. پس جای تعجب نخواهد بود که صحنه، خالی از اشیا آشنای یک زندگی متعارف باشد و در سودای دور ریختن هر آن چه اضافی می‌نماید.

گروه اجرایی ترجیح داده با چیدن تعدادز یادی «اجر فشاری» بر کف سالن، بنابر ضرورت، گاهی جابه‌جایشان کرده و حال و هوای متغیر آدم‌ها را به نمایش گذارد. این انتخابی است هوشمندانه

و استعاری که نسبت اعضای خانواده را با تصاحب مکان عیان می‌کند. به‌دیگر سخن در طول اجرا پدر را مشاهده می‌کنیم که بر دو ردیف اجرا ایستاده و با اقتدار فرمان می‌راند. حال آن که دیگران بر یک ردیف اجر قرار گرفته و موقعیت فرودستی را تجربه می‌کنند. گو این که زن غریبه از همان ابتدا بر روی کف زمین قدم گذاشته و از آجرها فاصله دارد و از این طریق تمایزات خویش را با بقیه موکد می‌کند. اجرا هر در ایسن نمایش همچون دال شناوری عمل می‌کنند که با اندکی جابه‌جایی نظم مستقر خانه را به



می‌دهد که حتی نزدیکان مایکل در مورد چگونگی بازنمایی زندگی او اتفاق نظر ندارند و هر بخش از خانواده روایت خود را دارد.

درباره «مایکل»؛ پدیده این روزهای سینمای جهان

رکوردشکنی تماشاگران در برابر منتقدان

گروه دلایل خود را دارند. این دوگانگی آنقدر شدیداست که برخی رسانه‌ها از «شکاف تمدنی میان نخبگان و توده در مصرف فرهنگ» سخن گفته‌اند.

جعفر جکسون: ستاره‌ای که حتی منتقدان را به زانو درآورد

نقطه قوتی که حتی تندترین نقدها نیز به آن ادعان کرده‌اند، اجرای جعفر جکسون، خواهرزاده مایکل، در نقش اصلی است. وریاتی، هالیوود ریپورتر و حتی گاردین که فیلم را «کلیشه‌ای و خسته‌کننده» خوانده، همگی بسازی جعفر را «برق اساء»، «هکاشفه‌ای» و «شایسته نامزدی اسکار» توصیف کرده‌اند. راجر ایبرت در وبسایت خود نوشت: «گر همه چیز مایکل بجز بازی جعفر جکسون را بردارید، هنوز یک دلیل برای دیدن فیلم باقی می‌ماند.» این بازیگر جوان که پیش از این سابقه چندانی در سینمانداشت، برای این نقش ماه‌ها آواز و رقص و تقلید صدا تمرین کرد. نتیجه، حرکات و حالات چهاره‌ای است که در بسیاری از صحنه‌ها مرز میان تقلید و بازی فنی روح مایکل را برای همیشه محو می‌کند. پوزه بازسازی کنسرت‌های تور «بد» (Bad) که در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ بر گزار شد، در سالن‌های ایکس، برای مخاطبان حس تماشای یک اجرای زنده را تداعی می‌کند. جعفر جکسون نه‌تنها از نظر فیزیکی شباهت خیره‌کننده‌ای به عموی خود دارد، بلکه توانسته توان‌های صوتی و رفته‌ری او را چنان دقیق بازتولید کند که گاهی تماشاگر فراموش می‌کند در حال دیدن یک بازیگر است، و نه خود مایکل.

علت omitted allegations:

الزام قانونی، نه انتخاب هنری

مهم‌ترین محور انتقادات تند علیه «مایکل» به حذف کامل اتهامات از کودکان‌علیه مایکل جکسون بازمی‌گردد. فیلم روایت خود را در سال ۱۹۸۸ و پیش از بروز اولین اتهامات جدی (ماجرای اردن چندلر در سال ۱۹۹۳) متوقف می‌کند. به اشاره مستقیمی به این بخش از زندگی خواننده در فیلم دیده نمی‌شود. این موضوع خشم بسیاری از منتقدان و فعالان حقوق کودکان را برانگیخت و آنها فیلمسازان را به «ساخت یک قدیس دروغین» متهم کردند.

ام‌ا سر اساسی گزارش اختصاصی ددلاین هالیوود، این حذف تنها یک الزام قانونی بوده‌است. تیم تولید در ابتدا فیلمنامه‌ای نوشته‌بود که شامل صحنه‌هایی از اتهامات سال ۱۹۹۳ و نیز تأثیرات روانی آن بر مایکل می‌شد. اما یک بند محرمانه در توافق مالی که میان خانواده چندلر (شاکیان اصلی) و مایکل جکسون در دهه ۱۹۹۰ امضا شده بود، هر گونه بازآفرینی تصویری از آن ماجرا

شماره ۲۱۷۹ / پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ۲۶ ذوالقعدة ۱۴۴۷ / ۱۴ می ۲۰۲۶

چالش کشیده و از مناسبات تازه مابین افراد پرده‌برداری می‌کند. نظم ابتدایی در چپنش اجراها به تدریج با آشکار شدن تنش‌ها بهم می‌ریزد و هارمونی جدیدی شکل می‌یابد که چندان دلنشین نیست.

اجر در این اجرا، ارجاعی است به کالبد فیزیکی خانه و میل به تصاحبش، شخصیت‌ها با قدم گذاشتن روی حجم مکعب مستطیل اجراها که کلیت خانه را تداعی می‌کنند آن را به مثابه یک جغرافیای فرادستی در نظر می‌گیرند که در صورت امکان باید فتحش کرد. اشاره‌ای استعاری اجراها تعیین بخش مفهوم سکونت و خانه‌اند. این اشیای به ظاهر کم‌ارزش که دیوارهای خانه را بالا برده و حس مالکیت بر زمین را به افراد منتقل می‌کنند در درازنای تاریخ به یاری انسان حریص آمده و امکان سکونت راهمیا کرده‌اند.

باز یگرانی چون مجید رحمتی، ایمان سلگی، الهه زحمتی، کیمیا خلیج، جواد موسوی و آهو شفیعی در این پروژه جمع و جور مشارکت داشته‌و توانسته‌اند با مهارت، نقش‌ها را بر صحنه رویت پذیر کنند. شیوه بازی‌ها در اغلب اجراهای علیرضا معروفی، ایستاست و شخصیت‌ها در یک وضعیت حاد دراماتیک، با بهت و خشم و گاهی سکون، در حال مکالمه با یکدیگرند.

سیاست اجرا به دلیل فشرده‌گی روایت، اغراق‌های کنترل‌شده‌ای را ضرورت می‌بخشد که در شکل بازی‌ها نمود می‌یابد. دیالوگ‌هایی که بی‌وقفه به گوش می‌رسد و سکوت را به امری کمیاب بدل می‌کند. از این منظر اجرا توانسته به خوبی از ظرفیت‌های بازیگران با تجربه و جوان خویش استفاده کرده و رئالیسمی اغراق‌شده را به نمایش گذارد که محصول شرایط اضطرار است.

در نهایت می‌توان نمایش «دیکته‌طور» را قدمی رو به جلو برای کارگردان فرض گرفت و از تماشايش لذت برد. اجرایی که واجد لحن مناسبی است و بر فشرده‌گی فضا و روایت تاکید دارد. با آن که از ایدئولوژی اجرایی توان‌واصله گرفت و منتقدان بود اما به لحاظ زیباشناسی صحنه، با اجرایی استاندارد و روبرو هستیم که ملال نمی‌افزاید و تا حدودی کيفور می‌کند.

امید که علیرضا معروفی در مقام نویسنده و کارگردان در راهی که انتخاب کرده، قدم‌های بلندی بردارد و از تغییر نهراسد. گاهی علیه زیباشناسی مالوف خویشتن شوریدن می‌تواند رادیکال باشد و کنششی رو به آینده. در همان دقایقی که واقعبیت اجتماعی به میانبیج صورت زیباشناسختی در حال آشکار شدن است. میان طبقات خانهای که معلوم نیست مالکیتش با چه کسی است: پدر یا پسری که جای اونشسته.

معمای اقتصادی: چرا مردم به سینما رفتند؟

بررسی که بسیاری از تحلیلگران را حیرت زده کرده، دلیل استقبال توده مردم از فیلمی است که مطبوعات معتبر آن را «تامیدکننده» و «بدون عمق» توصیف کرده‌اند. پاسخ را باید در چند عامل جستجو کرد: نخست، نوسازی قدرتمند مایکل جکسون برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان نماد دوران کودکی و خاطرات شیرین موسیقایی است. دیدن بازآفرینی اجراهای جاودانه او بر پرده بزرگ، برای این گروه از مخاطبان ارزنی فراتر از نقدهای حرفه‌ای دارد. دوم، عملکرد تحسین‌برانگیز جعفر جکسون که حتی منفی‌ترین نقدها هم به آن ادعان کرده‌اند، این بازی به نتهایی برای بسیاری از مخاطبان کافی بود تا بلیت بخرد. سوم، تأثیر حاشیه‌ها: داستان حذف اتهامات فیلمبرداری مجدد بر هز بنه، خود به یک کارزار تبلیغاتی عظیم تبدیل شد. هر چه خبرهای جنجالی بیشتر منتشر می‌شد، کنجکاوی عمومی برای دیدن فیلم‌زونی می‌گرفت. بالاخره عامل چهارم، عدم تطابق سلیقه مردم و منتقدان است. تاریخ سینما نشان داده که همیشه میان نظر منتقدان حرفه‌ای و ذائقه عمومی هماهنگی وجود ندارد. «مایکل» با ۱۵۰ میلیون رأی در دسترس‌ترین نمونه این شکاف بدل شده‌است. مردم برای دیدن موسیقی و رقص به سینما می‌روند، نه برای خواندن یک پرونده قضایی روی پرده.

آینده: دنباله در راه است؟

سازندگان فیلم به وضوح در پایان اثر، بذخ‌های ادامه داستان را کاشته‌اند. دیالوگ‌ها و نماهای نمادین به اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی اشاره دارند- دقیقاً سئالی‌هایی که مایکل با اولین اتهامات جدی مواجه شد. شایعات صنعتی حاکی از آن است که لا‌ینز گیت، توزیع‌کننده فیلم، در حال بررسی ساخت قسمت دوم است که به دهه ۱۹۹۰ و بحران‌های مایکل ببردازد- اگر محدودیت‌های قانونی و خانوادگی اجازه دهند. آنتوان فوکو خود در مصاحبه‌ای اعلام کرده که ایدیه‌هایی برای ادامه فیلم را داشته‌اند. اما هر گونه تصمیم‌نهایی به موقعیت مالی همین قسمت بستگی دارد. با توجه به فروش بیش از ۲۱۸ میلیون دلاری در هفته اول، احتمال ساخت قسمت دوم بسیار زیاد به نظر می‌رسد. با این حال، همان بندهای محرمانه در قرارداد‌های قدیمی ممکن است دوباره مانع از بازنمایی مستقیم ماجراهای دهه ۱۹۹۰ به نظر می‌رسد. دنباله «مایکل» نیز ناچار باشد بین الزامات قانونی و خواست مخاطبان تعادل برقرار کند.

کلام آخر اینکه، «مایکل» یک پدیده فرهنگی تمام‌عیار است. فیلمی که منتقدان آن را «سفیدنمایی» و «غار تگرانه» می‌نامند، اما مردم عادی در صف‌های چندصدمتری سینماها ایستاده‌اند تا آن را تماشا کنند. در مرز میان توفان، بازی خیره‌کننده جعفر جکسون و موسیقی جاویدان مایکل جکسون ایستاده‌است- عواملی که حتی تندترین مخالفان نیز نمی‌توانند انکارشان کنند. فیلم با وجود حذف اتهامات (که به دلایل قانونی رخ داده، نه هنری) و نقدهای ویرانگر، رکوردهای فروش را یکی پس از دیگری می‌شکند و ثابت می‌کند که گاهی سینما بیش از آنکه به تحلیل‌های روشنفکرانه نیاز داشته باشد، به قلب تماشاگران نیاز دارد- و «مایکل» این قلب را آرام می‌کند. آنچه این فیلم را ماندگار خواهد کرد، نه رکوردهایش، که پرسش‌های، که پیش‌روی همه گذاشت: مرز میان «بازنمایی عادلانه» و «سفیدنمایی» کجاست و چه کنی حق دارد آن را تعیین کند؟

